

بررسی رابطه میزان مطالبه‌گری از منظر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان شهر اهواز)

تورج فتاحی^{۱*}

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میزان مطالبه‌گری از منظر فرهنگ سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان شهر اهواز) پرداخته است. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی (پیمایشی) و از نظر روابط بین متغیرها جزو مطالعات همبستگی بشمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق متشکل از کلیه ساکنان بالای ۱۸ سال شهر اهواز بوده است با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر برآورد گردید. داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه‌های محقق ساخته گردآوری شده که روایی و پایایی آنها با انجام آزمونهای مختلف مورد تایید قرار گرفت. داده‌های تحقیق با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم افزارهای PLS و نیز SPSS و از طریق آزمونهای همبستگی و تحلیل مسیر، تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان داد بین متغیرهای تحقیق همبستگی قوی و مثبت وجود دارد، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی مدنی و پس از آن فرهنگ سیاسی محدود مردم بر مطالبه‌گری آنها تاثیر دارد اما فرهنگ سیاسی تبعی رابطه‌ای معکوس با میزان مطالبه‌گری آنها دارد.

کلمات کلیدی: مشارکت سیاسی، مطالبه‌گری، فرهنگ سیاسی، فرهنگ مدنی، فرهنگ تبعی، فرهنگ محدود

مقدمه

یکی از انواع مشارکت که بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته، مشارکت سیاسی است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۱). مشارکت سیاسی به معنای فرصتهای پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امورسیاسی (آبرامسون، ۱۳۸۳: ۱۲۴۱) و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی درهر جامعه ای است. درحقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است به درگیرشدن توده های مردم درفعالیت سیاسی وتعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق مییابد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷). به عقیده بسیاری ازاندیشمندان، فعالیت وکنش سیاسی یکی ازعناصرمهم دموکراسی و مردم سالاری به شمار می آید (رهبر قاضی و همکاران، ۱۳۹۵). فرهنگ سیاسی ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی و یک سرمایه اجتماعی تلقی می شود آنچنانکه می تواندنوع رابطه ای را که بین مردم و دلتمردان وجود دارد ساماندهی و تنظیم کند و در شکل گیری و مفهوم شهروندی و همچنین جامعه مدنی، نقش اساسی ایفا کند. فرهنگ سیاسی مشارکتی در جامعه ای دیده می شود که مردم آن از ساختار نظام سیاسی کشور خودآگاه هستند و درکارها تصمیم گیری و دخالت می کنند و می توانند در انتخاب رهبران جامعه سهمیم باشند، هر سه نوع فرهنگ سیاسی دریک جامعه می تواند وجود داشته باشدوهر فرد می تواند هر سه نوع فرهنگ را در رفتار خود بروز دهد. فرهنگ سیاسی برای بررسی رفتار فرد در نظام سیاسی معین می تواند ابزار تحلیلی ارزشمندی محسوب گردد (قاسمی، ۱۳۹۷). به طور کلی فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجربه های شخصی داشته و مطالعه دقیق آن، فرایند تبدیل تقاضاها و خواسته هارا به تصمیمات، استراتژی ها و سیاست ها نشان می دهد (قوام، ۱۳۸۲: ب ۱۰۵). و یکی از الگوهای رایج نظامهای اجتماعی است و تا اندازه زیادی مشروعیت نظامهای سیاسی در گرو آن است. این فرهنگ که در این دوران پدیده گریزناپذیر زندگی اجتماعی است و نفوذی انکارناپذیر بر رفتار سیاسی اعضای جامعه دارد، یکی از ارکان و شاخصهای عمده رشد و توسعه جامعه به شمار میرود. در این زمینه، باور به سلسله مراتب سیاسی یا برابری سیاسی، اعتماد و بی اعتمادی، بدبینی و خوشبینی، احساس امنیت یا ناامنی، گرایش به وفاداری ملی یا وفاداری قومی و...از جمله مواردی است که بافرهنگ سیاسی وبه تبع آن بالگوهای توسعه جامعه رابطه مستقیم دارد. رویکردهای مربوط به قدرت، حکومت، دولت، ملت، حاکمیت، مشروعیت، آزادی، دموکراسی، مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی، برابری، حقوق اساسی، هویت سیاسی و دیگر پدیده های مربوط به قلمروسیاست نیزازدیگر عناصری است که ریشه در باورها، ارزشها و نگرشهای یک جامعه دارد و در نتیجه با فرهنگ سیاسی آن جامعه در ارتباط است. (عالی زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۶). بنا به نظر ترنر (۲۰۰۰) مطالبه گری ویژگی اصلی شهروندی است که در خلال آگاهی به حقوق شهروندی شکل می گیرد. تنها کسانی که به واسطه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شان توانسته اند ازحقوق خود آگاهی یابند، مدعیان برخورداری از منابع کمیاب جامعه هستند واین آگاهی از طریق دریافت اطلاعات از منابع بی طرف ممکن و میسر می شود. فارغ از راههای ارائه اطلاعات به افراد یک جامعه و ارتقای آگاهی آنان ازحقوق شهروندی (زارعیان، ۱۳۹۶). مفهوم مطالبه گری درادبیات حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، اغلب به عنوان گونه ای ازکنش اجتماعی و سیاسی ودرچارچوب روابط دولت - ملت جامعه مدرن (پاک مهر و همکاران ۱۳۹۵: ۱). و یکی ازملزومات جدی تحقق وپایداری دموکراسی وبه عنوان عنصرقوام بخشی، بر ساخته

فرهنگ سیاسی هر جامعه است و لازمه فرهنگ سیاسی؛ اندیشیدن، پرسش‌گری و مطالبه‌گری است این مفهوم را می‌توان از منظر مختلفی همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی تعریف کرد بنابراین چنانچه فرهنگ سیاسی جامعه محدود و یا تبعی باشد، موضوع مطالبه‌گری چندان نمودی نخواهد داشت اما اگر فرهنگ سیاسی جامعه مشارکتی و مدنی باشد، مفهوم مطالبه‌گری در بطن آن قرار داشته و حوزه‌های متنوعی را دربر خواهد گرفت (لانس، ۱۳۸۱). مطالبه‌گری از شاخصه‌های مهم توسعه سیاسی و از ویژگی‌های جوامع حق مدار محسوب می‌شود. جامعه‌ای که فرهنگ مطالبه و پرسش را در خود نهادینه سازد، مسیر پیشرفت و تعالی را به سرعت سپری خواهد کرد (جمعه، ۱۳۹۶). این مقاله در صدد است تا با روش توصیفی-پیمایشی و همچنین مصاحبه عمیق با نخبگان به این سوالات پاسخ دهد. سازماندهی تحقیق در این مطالعه به این صورت است که ابتدا پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با ذکر مروری بر مباحث نظری، چارچوب نظری مطرح می‌گردد و به دنبال آن مباحثی همچون روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش، آزمون فرضیه‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری پژوهش بیان می‌شود. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر مطالعاتی انجام گرفته است که ذکر مروری کلی بر نتایج آنها به غنی‌تر کردن محتوای مقاله کمک مینماید.

بررسی پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که درباره فرهنگ سیاسی ایران انجام گرفته است، به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته از این پژوهش‌ها در تحلیل یافته‌ها و نتایج شان، فرهنگ سیاسی ایران را از نوع اقتدارگرایانه معرفی کرده‌اند. در این پژوهش‌ها، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران عبارتند از: بیگانگی و وضعیت از خودیگانه، اقتدارگرایی، سرکوب و کنترل فرهنگی، پیرو منشی، آمریت و تابعیت، عدم تساهل و سعه صدر، خشونت و سیاست‌گریزی، استبدادگرایی، کلی-گویی، قوم‌مداری و فرهنگ عشیره‌ای، فقدان شفافیت، فقدان وحدت فرد با جمع، بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی (بشیری، ۱۳۸۰؛ زونیس، ۱۳۸۷؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۷؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۶؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۹؛ آل غفور، ۱۳۸۰؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ عالی‌زاده، ۱۳۸۴؛ جهانگیری، ۱۳۸۰).

دسته‌ی دوم پژوهش‌ها فرهنگ سیاسی ایران را مشارکت‌گرایانه و دموکراتیک ارزیابی کرده‌اند. این دسته طیفی از پژوهش‌ها از نوع تبعی-مشارکتی تا مشارکتی - دموکراتیک را شامل می‌شوند. ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران در این پژوهش‌ها عبارتند از: فرهنگ‌پذیری، گسترش جامعه‌ی مدنی، مشارکت اقلیت‌ها و قومیت‌ها، کاهش اقتدارگرایی ساخت‌های سیاسی، میانه‌روی و چانه‌زنی، قانون‌گرایی، نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، ظلم‌ستیزی، عدالت-خواهی، شورا و مشورت، آزادی‌خواهی و روحیه تعاون (گلچین، ۱۳۸۷؛ سینایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۴؛ فرهادی، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱؛ کیخا، ۱۳۸۳؛ شریف، ۱۳۸۱؛ احسانی، ۱۳۸۶).

الف) تحقیقات داخلی

نتایج پژوهش احمدی و دیگران (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی- فرهنگی بر اساس چارچوب دستگاه مفهومی تسلا و گائو که با توجه به ابعاد شناختی (تکثرگرایی سیاسی) و هنجاری (درگیری عملی در سیاست) فرهنگ سیاسی، صورت گرفت که میانگین جهت‌گیری فرهنگ سیاسی دانشجویان بالا بود. اما بر خلاف نظر اینگلهارت و ولزل و نیز تسلا و آلتینگلو که قائل به رابطه معکوس بین این دو متغیر بودند، درباره دانشجویان کردستان، این رابطه به صورت مثبت و مستقیم مشاهده شد. همچنین با افزایش سن،

فرهنگ سیاسی دانشجویان افزایش یافت؛ البته این افزایش شاید متأثر از بهره‌مندی آنان از تحصیلات عالی و سرمایه فرهنگی کافی بوده است. نتایج نشان داد بابالا رفتن سطح تحصیلات، فرهنگ سیاسی نیزافزایش می‌یابد؛ البته این افزایش در مقطع دکتری بیشتر است.

رشیدی زاده و ضیاء (۱۳۹۷)، در پژوهش خودبه این نتایج دست یافتند که، تنوع الگوهای رفتاری و فرهنگ سیاسی جهان عرب از قبیل اقتدارگرایی، حضور بی ضابطه گروه‌های غیررسمی، ملی‌گرایی و پان عربیسم به مثابه ساختار فرهنگی، از فرایندی کلیت بخش در راستای نیل به آگاهی معین و مستقر در تحقق دموکراسی جلوگیری می‌کنند؛ این درحالی است که دخالت خارجی و استعمارنیز، مانع مهم دیگری بر سر راه تحقق دموکراسی در جهان عرب است. یافته‌های پژوهش جلالی راد و سپهر نیا (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که، آرای اکثریت صاحب نظران می‌توان شاخص‌های مشارکت در انتخابات، تأکید بر ارزش‌های بومی و مذهبی و فلسفه انتظار و ظهور منجی را جزء اولویت‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بعد کلان مطرح نمود. و همچنین این تحقیق می‌تواند گام کوچکی را در راستای تبیین الگوی فرهنگ سیاسی در ایران ایفا کند.

وحید سینایی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان درآمد‌های نفتی، به این نتیجه رسید که بازتولید فرهنگ سیاسی تبعی و اقتدارگرایی در ایران اعتقاد دارد رانت بر سرشت، ساختار و کارکردهای دولت تأثیر دارد اما صرف وجود آن به استقلال دولت از جامعه و اقتدارگرایی نمی‌انجامد. برقراری اقتدارگرایی در کشورهای صاحب نفت مستلزم وجود پیشینه‌ای از فرهنگ سیاسی تبعی و ساختارهای سیاسی‌ای متناسب با آن است. براین اساس درآمد نفت نه عامل تعیین‌بخش بلکه تنها ابزار مناسبی برای مهندسی فرهنگی و باز تولید فرهنگ سیاسی تبعی و اقتدارگرایی در این جوامع است. به این ترتیب پایه‌های استیلای دولت بر جامعه نه بر نفت، بلکه بر فرهنگ و ساختارهای سیاسی تبعی استوار می‌شود که از گذشته در این جوامع وجود داشته و به کمک درآمد‌های نفتی بازتولید شده‌اند.

الف) تحقیقات خارجی

اویدمی (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان، مشارکت شهروندی و استفاده از اینترنت در میان جوانان آفریقای جنوبی انجام داد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت در میان بسیاری از جوانان، اشکال مختلف نابرابری مانند نوع دسترسی به اینترنت، وضعیت دسترسی، هزینه دسترسی، درآمد خانواده، نژاد و الگوهای نفوذ جغرافیای استفاده از اینترنت را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در نتیجه آن، تجربه‌ای کامل از مشارکت و شهروندی با ابزارهای دیجیتال برای بسیاری از جوانان به خطر می‌افتد که این امر در بسیاری از موارد حقوق شهروندی و نوع مشارکت را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. ویلیام ریسینگر (۱۹۹۵)، پژوهشی با عنوان، رنسانس فرهنگ سیاسی انجام داد. و ادعا کرد تحقیقات آینده در مورد فرهنگ سیاسی باید عمده توجه خود را بر تبیین خرده فرهنگ‌های ناشی از گروه‌های مختلف درون جوامع متمرکز کنند. به عبارتی، به باور او نوع فرهنگ سیاسی شهروندان در جوامع چند قومی و چند فرهنگی از هویت قومی و فرهنگی شهروندان بسیار اثر پذیر است. مکوی و والوز (۲۰۰۶)، پژوهشی با عنوان، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در نیوزلند انجام دادند و نتایج‌ها بر آنند که کاهش میزان رأی دهی در بین شهروندان نیوزلندی، نشان دهنده کاهش میزان مشارکت سیاسی شهروندان این کشور است. بنابه استدلال این نویسندگان، مشارکت سیاسی و اشکال دیگر مشارکت مدنی از قبیل عضویت در انجمن‌ها، از مفهوم کلی سرمایه اجتماعی نشأت می‌گیرند. براساس این نظریه،

انجمنها به عنوان مدارس عمل میکنند که موجب پرورش و گسترش اعتماد و مشارکت مدنی در میان شهروندان میشوند. اما پژوهش مکی رابطه بسیارضعیفی میان متغیر سرمایه اجتماعی و اشکال مختلف مشارکت سیاسی نشان میدهد.

نقد پیشینه نظری

از مطالعه پژوهشهای داخلی و خارجی به این نتیجه رسیده ایم که به منظور سنجش متغیر وابسته (مطالبه‌گری) و متغیر مستقل (فرهنگ سیاسی) از مقیاسهای مختلفی در این زمینه استفاده شده و پرسشنامه استاندارد که تمام ابعاد متغیر فرهنگ سیاسی و متغیر مطالبه‌گری را دربر بگیرد در این پژوهشها به چشم نمی‌خورد و این امر باعث تعارض و متفاوت بودن نتایج برخی از تحقیقات پیشین شده است. بنابراین بر آن شدیم تا در این پژوهش متغیر مطالبه‌گری را در سه بعد (اجتماعی، سیاسی، مدنی) به کار بریم تا بتوانیم تمام وجوه دو متغیر مطالبه‌گری و مشارکت سیاسی را به کار برده باشیم کاری که در پژوهشهای قبلی در رابطه با این دو متغیر به کار برده نشده است.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر در زمینه مطالبه‌گری به صورت تلفیقی از نظریه‌های موجود به ویژه نظریات مارشال و از آنجا که به عقیده بسیاری از اندیشمندان، تحقیق و تألیف آلموند و وربا بیشترین سازگاری را با جامعه سیاسی ایران دارد در این پژوهش از چارچوب نظری آنها استفاده خواهد شد (نوریان و همکاران، ۱۳۹۷). گابریل آلموند و سیدنی ووربا در دهه ۱۹۶۰ در کار تحقیقی مشترکی با عنوان فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی که مطالعات تطبیقی آنها درباره پنج کشور (ایالات متحده انگلستان، مکزیک، آلمان و ایتالیا) با تعیین مؤلفه‌های اساسی چیزی که آن را "فرهنگ مدنی"^۱ می‌خوانند شالوده فرهنگی دموکراسی‌های پایدار را تعریف و ترسیم کرد. آنها با استفاده از شیوه نظر سنجی نمونه در آن پنج کشور این مفهوم را آزمودند. و به این ترتیب نظریه متقن و محکمی درباره فرهنگ سیاسی دموکراسی عرضه کردند. این آثار نقطه عطفی در تحقیقات بود؛ نه تنها به این دلیل که یکی از نخستین تحلیل‌ها در حوزه فرهنگ سیاسی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی بود؛ بلکه مؤلفه‌های نظری هر فرهنگ سیاسی دموکراتیک را مشخص و معین می‌کرد. این دو پژوهشگر در نظریه خود درباره فرهنگ مدنی الگویی از گرایش‌های شهروندان به حکومت و سیاست به دست دادند که شامل بالا بودن میزان آگاهی سیاسی حس قوی کفایت و صلاحیت و مهارت فراوان در همکاری مدنی همراه با مشارکت عقلانی در حیات سیاسی و مدنی بود. نتایج تحقیقات آنان نشان دادند که میان مفهوم آنان از فرهنگ مدنی و ثبات دموکراتیک رابطه‌ای وجود دارد (جعفرپور، ۱۳۸۹: ص ۲۸). به طوری که می‌توان گفت مفهوم فرهنگ سیاسی در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی مرهون پژوهشهای رفتارگرایانه آنها بوده است. تلاشهای این دو محقق در جهت بررسی مقایسه‌ای فرهنگ ملت و در سطح سیاسی بود. مساله آنها به دست دادن تبیینی در علل پایداری دموکراسی در برخی کشورها و ناپایداری آن در کشورهای وجود دیگر بود. در واقع، این دو، سطح جدیدی از تحلیل را در تبیین رفتار سیاسی انسان در علوم سیاسی و اجتماعی به وجود آوردند. سطحی که در آن برای تحلیل رفتار به عناصری چون اعتقادات، باورها، ارزشها و احساسات یا همان فرهنگ سیاسی توجه میشد. اینان، فرهنگ سیاسی را نگرش و جهت‌گیری جامعه نسبت به سیاست و نظام سیاسی تعریف کرده‌اند (قیصری و شکوری

¹ Civic culture

(۱۳۹۰: ۱). ازمزانی که مفهوم فرهنگ سیاسی برای اولین بار وارد ادبیات علوم سیاسی شد تاکنون تحولات و دگرگونی های متعددی را پشت سر گذاشته است تا اینکه رونالد اینگلهارت^۱ در کتاب انقلاب آرام احیاگر نظریه فرهنگ سیاسی شد (جعفرپور همان: ۲۹). آلموند^۲ (۱۹۶۳) فرهنگ سیاسی مجموعه ای از منشها، اعتقادات و احساسات در درون یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص است. این فرهنگ سیاسی توسط تاریخ آن ملت و از طریق فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و عمل سیاسی مداوم شکل میگیرد (به نقل از نادمی، ۱۳۹۰: ۱۵). آلموند و وربا^۳ (۱۹۳۶) در تحقیقی با عنوان فرهنگ سیاسی و رابطه آن با رفتار سیاسی می گوید: فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزشها، احساسات، اطلاعات و مهارت های سیاسی است. همانگونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان تأثیر می گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت نیز بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر میگذارد. با این وصف رفتار انسان ها نتیجه ارزشها، نگرشها و گرایشهای افراد است و با توجه به تعریف آلموند رفتار سیاسی یا مشارکت سیاسی هم تحت تأثیر این مؤلفه ها قرار دارد (صحرائی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). با این توضیح مشارکت سیاسی افراد جامعه را به سه نوع فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تابع، فرهنگ سیاسی مشارکتی^۴ می توان تقسیم کرد. در همین راستا به نظر میرسد که فرهنگ سیاسی در شکل دادن به ساختار نظامهای سیاسی و در نگرش مردم نسبت به سیاستهای دولت^۵، مبنای مشروعیت، آزادی، و حقوق شهروندی عاملی بسیار تأثیر گذار باشد (پناهی، ۱۳۸۹). تی اچ مارشال^۶ از جمله اندیشمندان لیبرالی است که در نیمه دوم قرن بیستم به طور اختصاصی به مقوله حقوق شهروندی پرداخته است؛ تحلیل تاریخی - جامعه شناسی وی نقطه شروع کلاسیک برای مبحث شهروندی است. مارشال در اثر خود شهروندی و طبقه اجتماعی^۷ (۱۹۵۰) خاطرنشان کرد که شهروندی موقعیتی است که به اعضای کامل یک جامعه اعطا شده و شهروندان تا آنجا برابر هستند که به حقوق و تعهدات مربوط می شود (Marshall & Bottomore, 1998: 37). مارشال شهروندی را در بردارنده سه نوع حقوق می داند: مدنی، سیاسی و اجتماعی. حقوق مدنی عبارتند از حفظ آزادی های فردی، شامل: آزادی شخصی، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت. معتقد بود که به خاطر ایجاد نهادهای مدرن دادگاههای مدنی و جزایی، حقوق مدنی در قرن هیجدهم شروع به توسعه نمود. حقوق سیاسی در بردارنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب کنندگان اعضای چنین نهادی می باشد. و عقیده داشت این حقوق قبلاً تعداد محدودی از آن برخوردار بودند تنها در قرن بیستم با گسترش حق رای عمومی برای همه افراد بالغ، به حقوق شهروندی تبدیل شد. حقوق اجتماعی نیز در قرن بیستم در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی، توسعه یافتند (نش، ۱۳۸۷: ۱۹۳). بر اساس متغیرهای انتخاب شده از نظریات فوق و با توجه به ماهیت موضوع، برای ساختن چارچوب نظری تحقیق با

¹ Ronald Inghart

² Almond

³ Almond & Verba

⁴ The participant political culture

⁵ Government policy

⁶ Marshall

⁷ Citizenship and Social Class

توجه به نوع کاربرست آنها در پژوهش مطالبه‌گری شهروندان بعنوان متغیر وابسته، فرهنگ سیاسی بعنوان متغیر مستقل بهره گرفته شده است.

بررسی پیشینه نظری

چنانچه اشاره شد، تا کنون پژوهشی درباره میزان مطالبه‌گری مردم اهواز در حوزه‌های گوناگون انجام نگرفته است، در اغلب پژوهش قبلی که در سطح کشور انجام گرفته، عمدتاً حول محور حقوق شهروندی و میزان مشارکت افراد در این زمینه بوده است. پژوهش حاضر از این نظر حائز اهمیت و نوآورانه است که مستقیماً میزان مطالبه‌گری مردم اهواز را مورد سنجش قرار داده و علل مختلف احتمالی پایین بودن نرخ مطالبه‌گری را به عنوان موتور اصلی توسعه مورد بررسی قرار می‌دهد. در جمع‌بندی مطالعات انجام شده می‌توان گفت در تمامی پژوهش‌های شده یا صرفاً از فرهنگ سیاسی و سنجش آن سخن گفته شده و یا موضوع حقوق شهروندی بررسی گردیده است؛ اما پژوهشی انجام نشده است که به طور خاص میزان مطالبه‌گری را با توجه به ارزشهای فرهنگی و فرهنگ سیاسی را بررسی کند و بحث‌های انجام شده نیز بیشتر بر دیدگاه‌های نظری متکی است و درکی محدود از تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را بررسی کرده است، در حالی که پژوهش حاضر، نسبت به مطالعات انجام شده درکی کامل‌تر از تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نمایان می‌کند.

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش بررسی رابطه میزان مطالبه‌گری از منظر فرهنگ سیاسی می‌باشد، که مورد مطالعه شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال شهر اهواز می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- به نظری می‌رسد بین تعلق اجتماعی با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین ارتباطات با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اعتماد سیاسی با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین فرهنگ محدود با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین فرهنگ مدنی با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین فرهنگ تبعی با مطالبه‌گری در شهر اهواز رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی و از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر اهواز می‌باشند، آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵ شهر اهواز نشان می‌دهد که این شهر دارای جمعیتی معادل ۱۳۲۰۰۰۰ نفر می‌باشد که با توجه به نرخ رشد حدود ۳ درصد سالیانه جمعیت شهر اهواز، جمعیت فعلی آن ۱۴۳۸۸۰۰ برآورد می‌شود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر بدست آمد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر بدست آمد. نحوه نمونه‌گیری در این پژوهش طی دو مرحله اجرا گردید، ابتدا شیوه نمونه‌گیری تصادفی مطابق که براساس آن شهر اهواز بر اساس تراکم جمعیتی به بلوک‌های مختلف تقسیم شده بود و جامعه نمونه براساس نسبت جمعیت هر منطقه انتخاب گردید. این جامعه نمونه براساس

فرمول کوکران با خطای ۵ درصد ۳۸۵ انجام شد. و درروش دوم استفاده از مصاحبه عمیق با نخبگان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی درباره موضوع پژوهش بود که پس از انجام مصاحبه ها، نسبت به تحلیل محتوای آنها اقدام و نتایج آن در ترکیب با نتایج روش پیمایشی، جمع بندی شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بوده که روایی آن از طریق اعتبار صوری و تأیید استاتید علوم سیاسی و جامعه شناسی و پایایی آن نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفته است. در این پژوهش روش نمونه گیری طبقه بندی متناسب با حجم بوده است. برای جمع آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. همچنین در این پژوهش نیز، جهت سنجش اعتبار گویه ها از اعتبار صوری (مراجعه به اساتید و کارشناسان جامعه شناسی)، استفاده شده است، برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسش نامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است، برای اندازه گیری متغیرهای اصلی تحقیق از طیف لیکرت استفاده شده است. گویه ها از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و همچنین مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده، اقتباس شده اند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آنها با وضعیت ایران، گویه های مناسب انتخاب شدند. آلفای کرونباخ هریک از متغیرها فوق در جدول (۱) زیر آمده است.

جدول (۱) میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه های هر طیف

متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>.7)	AVE
تعلق	۷	۰/۵۸	/425
ارتباطات	۷	۰/۷۶۰	/404
فرهنگ تبعی	۷	۰/۵۸	/497
اعتماد سیاسی	۸	۰/۸۱۰	/376
فرهنگ محدود	۸	۰/۷۴	/347
فرهنگ مدنی	۸	۰/۷۰	/403
مطالبه گری	۱۸	۰/۸۸	/۵۴۴

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

تعریف مفهومی و عملیاتی مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی، ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی یعنی حکومت داری را معنا میکند. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسانها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه پردازان دنیای سیاست شد. از قرن شانزدهم میلادی وبه دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب، زمین شد و برپایه آموزه های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد (راش، ۱۳۹۱: ۱۲۳). در تعریف عملیاتی فرهنگ سیاسی بایستی گفت که، به نمره ای که از آزمون فرهنگ سیاسی بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳) سنجیده می شود. که شامل مولفه های تساهل، مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علاقه سیاسی، دانش سیاسی، ترجیح مردم سالاری می باشد.

تعریف مفهومی و عملیاتی مطالبه‌گری:

طلب یا خواستن حق است. و به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که باعث کنش اجتماعی و سیاسی می‌شود و شامل حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قانونی افراد است و این حقوق نشان دهنده اراده افراد برای دستیابی به خواسته‌ها و حقوق اجتماعی شهروندانی است که تاکنون محقق نشده است. و شهروندان می‌توانند از طریق نخبگان و کارشناسان متعهد و امین که متخصص این امر هستند بهره بگیرند تا مطالبات خود را از مسئولان درخواست نمایند. در این تحقیق مطالبه‌گری که از پرسشنامه و مقالات مختلف استخراج شده اندازه‌گیری می‌شود که شامل مؤلفه‌های مطالبه‌گری مدنی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

تعریف مفهومی و عملیاتی ارتباطات اجتماعی:

ارتباطات اجتماعی به این معنی می‌باشد که افراد به منظور خاصی و برای رساندن پیامی مشخص به دیگران از طریق کانال‌هایی منظور خود را ارسال می‌کنند و به دو صورت کلامی و غیر کلامی می‌باشد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر که منجر به واکنشی میان آنها شود و این واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد به عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. اما آنچه مادر جوامع امروزی شاهد آن هستیم کاهش سطح ارتباط افراد با یکدیگر است. چنانچه با افزایش اندازه، وسعت شهرها، سرعت و تراکم روابط اجتماعی به عنوان اصول اولیه تضعیف می‌شود. به این ترتیب احساس جمعی اجتماع‌های محلی و وابستگی‌های احساسی به یک مکان در حال ناپدید شدن است. شناخت کافی از انسان و نحوه ارتباطش با سایرین و چگونگی آن می‌تواند در شکل‌دهی محیط برای برقراری بیشتر تعامل و ارتباط موثر باشد. لذا در این روند با بررسی انسان به عنوان یکک موجود اجتماعی که دارای سطوح کمی و کیفی مختلفی از تعاملات اجتماعی است شناخت قرارگاه‌های رفتاری و مناسبت‌های اجتماعی و فعالیت‌های دارای ظرفیت‌های بالقوه برای کنش‌های اجتماعی و روابط معنادار اهمیت پیدا می‌کند (موسوی، ۱۳۹۰). بر اساس پرسشنامه استاندارد ارتباطات اجتماعی زبوف (۲۰۱۰) سنجیده می‌شود.

تعریف مفهومی و عملیاتی تعلق اجتماعی:

تعلق اجتماعی نقطه عطف فرآیندی است که طی آن فرد نسبت به مکان، محیط، شیء و یا امری احساس تعهد و مسئولیت پیدا می‌کند، به نوعی که موجب احساس مثبت به محیط و یا امر مورد نظر می‌شود. (وحیدا و نیازی: ۱۳۸۳؛ به نقل از احمدی بجستانی، ۱۳۹۳). داشتن احساس وابستگی به خانواده، دوستان و محیط محل زندگی خود و تعهد، و مسئولیت فرد، در قبال جامعه، به صورتی که فرد، منافع جمعی را بر منافع فردی خود ترجیح می‌دهد. در پرسشنامه طراحی شده سئوالات ۴۲ تا ۴۹ برای سنجش میزان تعلق اجتماعی در نظر گرفته شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی اعتماد سیاسی:

اعتماد سیاسی به فکر و احساس مردم درباره سیاستمداران و سیاست اشاره دارد. اعتماد سیاسی معمولاً به طور غیرمستقیم و با فاصله و غالباً از طریق رسانه‌ها، به وجود می‌آید و برای زندگی پایدار و دموکراتیک ضرورت دارد.

این نوع اعتماد همانند اعتماد اجتماعی، بازتاب شرایط بیرونی و عینی است و ویژگی شخصیت‌های اعتمادکننده نیست، بلکه نوعی ارزیابی جهان سیاسی است. آمارهای این نوع اعتماد نشان می‌دهد که مردم تاچه حد از نظام سیاسی خودراضی اند. اعتماد کمتر نشان می‌دهد که نظام سیاسی - سیاستمداران، نهادها یا هردو - اشکال دارد. ممکن است عملکرد آنها ضعیف باشد یا انتظارات مردم بیش از حد بالا باشد، اما در هر حال، کمبود اعتماد نشان می‌دهد که یک جای کار عیب دارد (نیوتن، ۱۳۸۰، ۴۳). در تعریف عملیاتی اعتماد سیاسی بایستی گفت که، به نمره ای که از آزمون تاثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۰) سنجیده میشود. که شامل مولفه های مربوط به اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی می باشد.

جدول ۲: نتایج پایایی (آلفای کرونباخ) مربوط به گویه های هر یک از متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha > .7$)	AVE
تعلق	۷	۰/۵۸	/425
ارتباطات	۷	۰/۷۶۰	/404
فرهنگ تبعی	۷	۰/۵۸	/497
اعتماد سیاسی	۸	۰/۸۱۰	/376
فرهنگ محدود	۸	۰/۷۴	/347
فرهنگ مدنی	۸	۰/۷۰	/403
مطالبه گری	۱۸	۰/۸۸	/۵۴۴

یافته های پژوهش

الف) تحلیل توصیفی

نتایج در این تحقیق نشان می دهد که ۲۴۷ نفر از پاسخگویان مرد و ۱۱۸ نفر آن ها را زنان تشکیل می دهند. به تعبیر دیگر ۶۷/۷ درصد از کل پاسخگویان را مردان و ۳۲/۳ درصد از زنان تشکیل می دهند. همچنین نتایج نشان می دهد ۹۱ نفر از پاسخگویان مجرد، ۲۷۴ نفر متأهل می باشند. به عبارت دیگر ۲۴/۹ درصد از پاسخگویان مجرد، ۷۵/۱ درصد از آن ها متأهل می باشند. از لحاظ تحصیلات بیشترین درصد فراوانی را اشخاص با مدرک لیسانس با ۴۱/۱ درصد و کمترین درصد فراوانی را اشخاص با مدرک زیر دیپلم با ۱/۴ درصد به خود اختصاص داده است. از لحاظ شغل بیشترین درصد فراوانی را کارمندان بامیانگین ۵۱/۸ درصد و کمترین درصد را کارگران بامیانگین ۲/۷ درصد می باشد. از دیگر متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش قومیت در شهر اهواز بود. نتایج بیانگر آن است بیشترین قومیت پاسخگو در شهر اهواز لرها با میانگین ۴۰/۸ درصد و کمترین درصد فراوانی را سایر اقوام که در اهواز ساکن می باشند را به خود اختصاص داده است. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه شهرداری نشان می دهد که بیشترین درصد فراوانی را افرادی که در طبقه متوسط به ۷۵/۶ درصد و کمترین درصد فراوانی را افرادی که در طبقه بالا با ۱/۹ درصد به خود اختصاص داده اند. بیشترین توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه شهرداری افرادی که در مناطق شماره ۳ با میانگین ۲۱/۹ درصد زندگی می کرده اند را دارا میباشند و کمترین درصد را افرادی که در منطقه ۵ با میانگین ۷/۹ درصد به خود اختصاص داده اند.

جدول ۲: نتایج میانگین، انحراف معیار، بیشترین و کمترین نمره‌ی آزمودنیها در متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

آماره نام متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه‌ها
تعلق	385	۱	۵	34/28	61/4	7
ارتباطات	385	۱	۵	89/16	53/4	7
فرهنگ تبعی	385	۱	۵	90/4	83/23	7
اعتماد سیاسی	385	۱	۵	55/28	27/6	8
فرهنگ محدود	385	۱	۵	90/25	91/5	8
فرهنگ مدنی	385	۱	۵	79/19	01/5	8
مطالبه‌گری	385	۱	۵	22/69	2/86	18

ب) تحلیل استنباطی

فرضیه‌ی اول: به نظری می‌رسد که بین تعلق اجتماعی و مطالبه‌گری رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه $\beta = -/17$ و مقدار بحرانی $t(385) = 1/96 \geq t = 1/96$ در آزمون فرضیه اول، متغیر تعلق اجتماعی می‌تواند متغیر مطالبه‌گری را تحت تاثیر قرار دهد و آن را تبیین کند در نتیجه با اطمینان ۹۵٪ این فرضیه تایید می‌شود. همچنین، ضریب تعیین بیان کننده این است که ۵۱٪ از تغییر متغیر (مستقل) تعلق اجتماعی توسط متغیر وابسته (مطالبه‌گری) تبیین شود.

فرضیه‌ی دوم: به نظری می‌رسد که بین ارتباطات و مطالبه‌گری رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین با توجه به تاثیر $\beta = /30$ و مقدار بحرانی $t(385) = 1/96 \geq t = 1/96$ ، متغیر مستقل ارتباطات می‌تواند متغیر وابسته مطالبه‌گری را تحت تاثیر قرار دهد و آن را تبیین کند. در نتیجه با اطمینان ۹۵٪ فرضیه دوم تحقیق تایید می‌شود. همچنین، ضریب تعیین بیان کننده این است که ۵۱٪ از تغییر متغیر وابسته مطالبه‌گری توسط متغیر مستقل ارتباطات تبیین می‌شود.

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد که بین فرهنگ تبعی و مطالبه‌گری رابطه معناداری وجود دارد.

که با توجه به جدول (۵) ضریب تاثیر غیرمستقیم، فرهنگ تبعی بر مطالبه‌گری شهروندان برابر با $-/03$ ، همچنین تاثیر مستقیم فرهنگ تبعی بر مطالبه‌گری شهروندان $529/$ گزارش شده است که مقدار سطح معناداری آزمون محاسبه شده برای تحلیل مسیرهای یاد شده بیشتر از $05/$ است در نتیجه فرضیه سوم تحقیق رد شده است و فرهنگ سیاسی تبعی رابطه‌ای معکوس با میزان مطالبه‌گری دارد.

فرضیه ی چهارم: به نظرمی رسد که بین اعتماد سیاسی و مطالبه گری رابطه معنا داری وجود دارد.

با توجه به اینکه ضریب تاثیر غیر مستقیم اعتماد سیاسی بر مطالبه گری شهروندان برابر ۰/۲، همچنین تاثیر مستقیم اعتماد سیاسی ۷۱۲/ گزارش شده است که مقدار سطح معناداری آزمون محاسبه شده برای تحلیل مسیرهای یاد شده بیشتر از ۵/ است در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق رد شده است و اعتماد سیاسی ارتباط اندکی با مطالبه گری دارد.

فرضیه ی پنجم: به نظر می رسد که بین فرهنگ محدود و مطالبه گری رابطه معناداری وجود دارد.

که در فرضیه پنجم پژوهش ضریب تاثیر $\beta/11$ و مقدار بحرانی $3/45$ ($1/96 \leq t \leq 1/96$)، متغیر مستقل محدود می تواند متغیر وابسته مطالبه گری را تحت تاثیر قرار دهد و آن را تبیین کند در نتیجه با اطمینان ۹۵/ این فرضیه تایید می شود همچنین، ضریب تعیین بیان کننده این است که ۵۱/ از تغییر متغیر وابسته (مطالبه گری)، توسط متغیر مستقل فرهنگ محدود تبیین می شود.

فرضیه ی ششم: به نظرمی رسد که بین فرهنگ مدنی و مطالبه گری رابطه معناداری وجود دارد که با توجه به جدول (۵) ضریب تاثیر $\beta/30$ و مقدار بحرانی $4/97$ ($1/96 \leq t \leq 1/96$)، متغیر مستقل فرهنگ مدنی می تواند متغیر وابسته مطالبه گری را تحت تاثیر قرار دهد و آن را تبیین کند در نتیجه با اطمینان ۹۵/ این فرضیه تایید می شود همچنین، ضریب تعیین بیان کننده این است که ۵۱/ از تغییر متغیر وابسته (مطالبه گری)، توسط متغیر مستقل فرهنگ مدنی تبیین می شود. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق در جدول (۵) بیان شده است.

جدول ۳: نتایج نرمال بودن نمره حوزه های پرسشنامه

حوزه	آماره آزمون کولموگروف اسمیرنوف	df	P-valut	نتیجه آزمون
مشارکت سیاسی محدود	۰/۰۶۳	۳۶۰	۰/۰۰۲	غیر نرمال
مشارکت سیاسی تبعی	۰/۰۸۹	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
مشارکت سیاسی مدنی	۰/۰۶۵	۳۶۰	۰/۰۰۱	غیر نرمال
مطالبه گری حقوق سیاسی	۰/۰۹۰	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
مطالبه گری حقوق اجتماعی	۰/۱۰۲	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
مطالبه گری حقوق مدنی	۰/۱۳۲	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
تعلق اجتماعی	۰/۰۷۷	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
ارتباطات اجتماعی	۰/۰۷۳	۳۶۰	<۰/۰۰۱	غیر نرمال
اعتماد سیاسی	۰/۰۶۵	۳۶۰	۰/۰۰۱	غیر نرمال

با توجه به جدول ۳ و نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف توزیع آماری حوزه‌های پرسشنامه غیر نرمال بدست آمد ($P\text{-value} > 0.05$).

جدول ۶: نتایج ماتریس همبستگی بین حوزه‌های پرسشنامه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن

حوزه	م.س.محدود	م.س.تبعی	م.س.مدنی	مطالبه.ح.س	مطالبه.ح.ا	مطالبه.ح.م	تعلق.ا	ارتباطات.ا	اعتماد.س
م.س.محدود	۱								
م.س.تبعی	-۰/۰۴	۱							
P-value	۰/۴۵								
م.س.مدنی	-۰/۰۳	-۰/۶۷	۱						
P-value	۰/۹۵۲	<۰/۰۰۱							
مطالبه.ح.س	-۰/۴۶	-۰/۱۹	۰/۵۹	۱					
P-value	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱						
مطالبه.ح.ا	-۰/۳۳	-۰/۰۹	۰/۴۴	۰/۵۹	۱				
P-value	<۰/۰۰۱	۰/۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱					
مطالبه.ح.م	-۰/۱۵	۰/۴۴	۰/۰۳	-۰/۱۱	-۰/۱۵	۱			
P-value	۰/۰۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۶۰۳	۰/۰۳۸	۰/۰۰۳				
تعلق.ا	۰/۳۲	-۰/۰۵	-۰/۳۰	-۰/۱۷	-۰/۲۲	-۰/۱۵	۱		
P-value	<۰/۰۰۱	۰/۳۰۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۴			
ارتباطات.ا	-۰/۴۷	-۰/۰۵	۰/۴۹	۰/۵۱	۰/۵۲	-۰/۰۷	-۰/۳۷	۱	
P-value	<۰/۰۰۱	۰/۳۸	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۲۲	<۰/۰۰۱		
اعتماد.س	-۰/۳۵	۰/۴۴	۰/۲۶	۰/۰۱۴	۰/۰۵	۰/۳۸	-۰/۳۰	۰/۱۴	۱
P-value	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۷۹۸	۰/۳۴	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	

با توجه به جدول (۶) نوع همبستگی بین حوزه‌های مشارکت سیاسی محدود، مشارکت سیاسی تبعی، مشارکت سیاسی مدنی، مطالبه حقوق سیاسی، مطالبه حقوق اجتماعی، مطالبه حقوق مدنی، تعلق اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و اعتماد سیاسی در حد ضعیف تا متوسط بدست آمد ($P\text{-value} < 0.05$).

جدول ۷: گزارش نتایج سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

متغیرهای مکنون	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR >.7)	میانگین واریانس استخراجی (AVE>.5)
تعلق	۰/۵۸	۰/۷۴۸	۰/۴۳۵
ارتباطات	۰/۷۶۰	۰/۸۲۱	۰/۴۰۴
فرهنگ تبعی	۰/۵۸	۰/۷۳۳	۰/۴۹۷
اعتماد سیاسی	۰/۸۱۰	۰/۸۰۴	۰/۳۷۶
فرهنگ محدود	۰/۷۴	۰/۸۰۷	۰/۳۴۷
فرهنگ مدنی	۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۴۰۳
مطالبه‌گری	۰/۸۸	۰/۹۰۵	۰/۵۴۴

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷ (Cronbach, 1951)، برای پایایی ترکیبی ۰/۷ (Nunnally, 1978) و برای AVE ۰/۵ (Fornel&Larker, 1981) است و مطابق با یافته های جدول ۴-۵، تمامی این معیار ها در مورد متغیر های مکنون تا حدودی مقداری مناسبی اتخاذ نموده اند، می توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرایی پژوهش حاضر را تایید ساخت.

جدول ۸: گزارش روایی واگرا

سازه ها	تعلق	ارتباطات	فرهنگ تبعی	اعتماد سیاسی	فرهنگ محدود	فرهنگ مدنی	مطالبه گری
تعلق	۰/۶۶						
ارتباطات	-۰/۴۹	۰/۶۳					
فرهنگ تبعی	۰/۲۲	-۰/۱۸	۰/۷۰				
اعتماد سیاسی	-۰/۱۱	۰/۳۲	۰/۱۱	۰/۶۱			
فرهنگ محدود	-۰/۲۹	۰/۵۳	-۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۵۹		
فرهنگ مدنی	-۰/۳۷	۰/۵۸	-۰/۲۲	۰/۳۳	۰/۶۹	۰/۶۳	
مطالبه گری	-۰/۴۶۰	۰/۶۲	-۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۵۶۳	۰/۶۲	۰/۷۰

* مقدار قطر اصلی از جذر AVE می آید

با توجه به جدول بر گرفته از روش فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مشخص می شود مقدار جذر AVE متغیر های مکنون در پژوهش حاضر که در خانه های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته اند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه های زیرین و سمت راست قطر اصلی ترتیب داده شده اند، بیشتر است. از این رو می توان اظهار داشت سازه ها در مدل تعامل بیشتری با شاخص های (گویه ها) خود دارند تا با سازه های دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر برای آزمون مدلهای علی به کار میرود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است، و به ما کمک میکند، ببینیم در پی چه چیزی هستیم. در تحلیل مسیر از ضریب تعین استفاده میشود از این رو میتوان میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد و با استفاده از وزن ضریب مسیر (Beta) مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد علاوه بر این، تحلیل مسیر ما را قادر میسازد به سازوکار اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم، همچنین تحلیل مسیر مشخص میکند اثر هر متغیر تا چه حد مستقیم است و تا چه حد غیر مستقیم. بدین ترتیب تحلیل مسیر به طریق قابل فهم ساده ای اطلاعات زیادی را درباره فرایندهای علی فراهم میآورد (دواس، ۱۳۹۱: ۲۲۲)؛ همانطور که در قسمت قبلی ثابت کردیم، از آنجایی که توزیع ما نرمال تشخیص داده شد (نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف) با استفاده از نرم افزار اسمارت PLS، همبستگی متغیرها آزمون شده است. برای بررسی رابطه علی بین متغیرهای مستقل و وابسته و تایید کل مدل از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. تحلیل مسیر در این پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت PLS انجام شده

است. نتایج حاصل از خروجی‌های اسمارت PLS نشان می‌دهد که نسبت مجذور کای به درجه آزادی کمتر از سه است و سایر شاخص‌های برازندگی برازش مدل را مورد تایید قرار می‌دهند. جدول زیر ضریب معناداری و نتایج فرضیه‌های مطرح شده را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول (۹) آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	ضریب مسیر	t-value	P-value	نتیجه آزمون	R ²	GOF
تعلق اجتماعی - مطالبه‌گری	-۰/۱۷	۳/۴۵	۰/۰۰۱	پذیرش فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷
ارتباطات - مطالبه‌گری	۰/۳۰	۴/۹۰	<۰/۰۰۱	پذیرش فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷
فرهنگ تبعی - مطالبه‌گری	-۰/۰۳	۰/۶۳	۰/۵۲۹	رد فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷
اعتماد سیاسی - مطالبه‌گری	۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۷۱۲	رد فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷
فرهنگ محدود - مطالبه‌گری	۰/۱۱	۲/۰۵	۰/۰۴۱	پذیرش فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷
فرهنگ مدنی - مطالبه‌گری	۰/۳۰	۴/۹۷	<۰/۰۰۱	پذیرش فرضیه	۰/۵۱	۰/۴۷

بحث و نتیجه

نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین مطالبه‌گری مردم اهواز و احساس تعلق اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. این یافته از تحقیقات حاضر نتایج گستره‌ای از تحقیقات (چلبی، ۱۳۸۱؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳؛ نوروزی، ۱۳۷۵؛ محمدی شکبیا، ۱۳۷۹؛ بیات، ۱۳۷۲)، سمینارها (بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، ۱۳۷۹)، کتابها (قاضی مرادی، ۱۳۷۸؛ نراقی، ۱۳۸۰) و نیز توجه برنامه ریزان و مدیران فرهنگی کشور به این مسئله، شاهدی بر این مدعاست. و همچنین مطالعه بیدل و محمود زاده (۱۳۹۱) و همچنین باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) نیز با این نتیجه همخوانی دارند به طوری که در مطالعه آنها نیز این رابطه معنا دار بوده است. نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین مطالبه‌گری مردم اهواز و میزان ارتباط جمعی آنها رابطه معناداری وجود دارد. این یافته از تحقیق حاضر با پژوهش نیری (۱۳۸۹) و عبداللهیان و حقگوئی (۱۳۸۹) در خصوص این متغیر هماهنگی دارد. نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین فرهنگ سیاسی و مطالبه‌گری مردم اهواز رابطه معناداری وجود دارد. که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد چنانچه عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر برابر (۰/۳) می‌باشد و چون این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، از این رو این فرضیه رد شده است. در پژوهش کریمی مله و رضایی (۱۳۸۵) و مرادی و احمدی (۱۳۹۶) این فرضیه تایید شده است. نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین مطالبه‌گری مردم اهواز و اعتماد به نظام سیاسی بطور کلی ارتباط معنادار نمی‌باشد. این نتیجه با پژوهش ملک‌زاده (۱۳۷۴) همپوشانی دارد. نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین مطالبه‌گری مردم اهواز و فرهنگ

محدود رابطه معناداری وجود دارد. به این معنا که براساس نظریه آلموند و وربا با به کاربردن سه نوع نگرش (ایستار) که افراد در چهار جنبه از زندگی سیاسی به انواع فرهنگ سیاسی دست میابند. این چهار جنبه عبارتند از نظام به عنوان یک کل یا رژیم سیاسی، درون دادها، برون دادها، خود یا بازیگر سیاسی. هنگامی های که نگرش های مختلف نسبت به این موضوعات چهارگانه صفر باشد، فرهنگ سیاسی، محدود یا بسته خواهد بود. در این جوامع نقش های سیاسی تخصصی شده و منفک وجود شده ندارد. همچنین در این جوامع انتظار اینکه نظام سیاسی تغییری ایجاد کند، وجود ندارد. به عبارت دیگر، افراد هیچ انتظاری از نظام سیاسی ندارند. در این نوع فرهنگ سیاسی، جهت گیری های افراد نسبت به اهداف سیاسی فوق العاده ضعیف است و مردم تصور نمیکنند که می توانند در شکل گیری و دگرگونی هدفهای سیاسی مؤثر باشند افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیمات ملی احساس وابستگی میکنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در گیری ذهن دارند. در فرهنگ مزبور با آنکه ممکن است افراد در سطوح محلی در تصمیم هادخاله داشته باشند، امانیتوانند این تصمیمات و سیاستها را به کل نظام سیاسی مرتبط سازند. بنابراین، در این شرایط، طرح موضوعاتی نظیر منافع، هدفها، امنیت و توسعه ملی محلی از اعراب ندارد بنابراین مطالعه قوام (۱۳۸۲) نتیجه مطالعه مارا تایید می کند. نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان میدهد که به نظر میرسد بین مطالبه گری مردم اهواز و فرهنگ مدنی رابطه معنادار وجود دارد. به این معنا که بر اساس نظریه فرهنگ مدنی آلموند و وربا که برای توصیف عناصر و ارکان اصلی فرهنگ سیاسی دموکراتیک وضع کردند. فرهنگ مدنی، فرهنگی است که در آن، فرهنگ سیاسی مشارکتی از طریق جهت گیری های تبعی و محدود نسبت به مسائل سیاسی متوازن می شود. فرهنگ سیاسی از این دیدگاه مرکب از جهت گیری هایی نسبت به سیاست و حکومت است که متضمن میزان بالایی از آگاهی سیاسی، احساس خود کفایی و توانایی فردی، تمایل به همکاری با دیگران و تمایل به مشارکت در تصمیم گیری های عضو است. به طور کلی یکی از ویژگیهای اصلی این فرهنگ آن است که شهروند احساس میکند توانایی لازم را برای تحت تأثیر قرار دادن حکومت دارد، اما غالباً ترجیح می دهد چنین نکند در کل، فرهنگ مدنی بدین معنا با ثبات سیاسی و دموکراسی نسبت معنا می یابد. اینگلهارت با توجه به نظریه فرهنگ مدنی آلموند و وربا نظریه لوسین پای و تحولات فرهنگی جهان مدرن در مقاله ای به نام رنسانس فرهنگ سیاسی بحث فرهنگ سیاسی جدید را مطرح میکند. به زعم وی مطالعه فرهنگ سیاسی بر این فرض استوار است که تفاوت های فرهنگی به طور مستقل و پایدار وجود دارند و میتوانند پیامدهای سیاسی مهمی را در برداشته باشند. چنانکه مطالعات نشان داده است بقای نهادهای دموکراتیک وابسته به فرهنگ سیاسی مدنی است. بنابراین ارزشها و هنجارهای فرهنگی مردم تأثیر اصلی بر بودیا نبود نهادهای دموکراتیک دارد. نهادهای دموکراتیک بیشتر نتیجه پیش زمینه فرهنگ تودهای دموکراتیک هستند. پس جوامع با نشانگان خاصی از نگرشهای فرهنگ سیاسی از هم متمایز میگردند.

منابع و مآخذ

۱. اجاق، ف. (۱۳۹۲). زمینه‌های جامعه‌شناختی مطالبه حق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
 ۲. بشیری، حسینی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشرنی.
 ۳. پناهی، م؛ کردی، ح (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن مطالعه موردی: استان گلستان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۱.
 ۴. پناهی، م، شایگان، ف (۱۳۸۶). اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۷، چاپ تابستان ۱۳۹۷، ص ۷۳-۱۰۸.
 ۵. پای، ل. (۱۳۷۰). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه: مجید محمدی، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
 ۶. جعفرپور، ر؛ خواجه سروری، غ. (۱۳۸۹). چارچوبی برای تحلیل و تطبیق فرهنگ سیاسی در ایران قبل و بعد از انقلاب فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۲.
 ۷. شایگان، ف. (۱۳۸۷). بررسی عوامل تاثیر گذار بر اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، ش ۷.
 ۸. قیصری، ن. شکوری، آ. (۱۳۹۰). فرهنگ سیاسی: پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم، نشریه نامه مفید دوره ۸، شماره ۳۲.
 ۹. نوریان، ا. م. ز. منصورزاده، م (۱۳۹۷). تاثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی تهران.
 ۱۰. نش، کیت. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست، قدرت. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر کویر.
- گروه اطلاع رسانی خبرنگار: مهسا شریفی* انتشار دهنده: شهربانو جمعه پژوهش* ۲۰۵۹*۲۰۰۲*۹۱۳۱
- ایرنا پژوهش، کانالی برای انعکاس تازه‌ترین تحلیل‌ها، گزارش‌ها و مطالب پژوهشی ایران و جهان، با ما <https://t.me/lrnaresearch> همراه شوید.

11. Almond, A. Gabriel & Sidney Verba (1963). *The Civic Culture*, Princeton University Press.

12. Alam, A., (2009), *Foundations of Political Science*, Ney Publications, Tehran. (in Persian).

13. Bashiriyeh, H., 1999, **Transition to Democracy**, Negah Moaser Publications, Tehran. (in Persian).

14. Becker, G (1964) *Human Capital*. Chicago: University of Chicago Press.

15. Bretzer, Noren. Ylva. (2002). How can institutions Better Explain political Trust than capital Do? P h D Tesses. University of Gathenburg, Sweden from: www.Google.com.

16. Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In Richardson, J. (ed). *Handbook of theory and Research for the sociology of education*. New York: Greenwood Press.

17. Carman, Christopher J. and David C. Barker. (2005). "State Political Culture , Primary Frontloading, and Democratic Voice in Presidential Nomination: 1972-2000" *Electoral Studies*

18. Ghavam, S. A., 1995, *Critical Theory and Political Development*, Shahid Beheshti University, Tehran. (in Persian)

19. Dadgran, S.M., 1995, **Fundamentals of Communications**, Firoze Publications, Tehran. (in Persian).

1. 20.Elazar, Daniel j. (1972). "American Federalism: A New Form of The states", New york: thomas Y. Crowell.
2. 21.Fyrahi, D., 2000, Continuity and Discontinuity in Muslim Political Thought, Journal of Political Science, No. 6, PP. 36-38. (in Persian).
3. 22.Henderson, Ailas. (2007). "The Regionalization & political Culture", www. cpsa, acsp.ca.
4. 23.Rahnema, Majid. (1992). Participation. In The Development Dictionary: a Guide to Knowledge as Power. Wolfgang Sachs, ed. London: Zed Books.
5. 24.Eri K. Blind (2006), "Building Trust in Government in the Twenty-First Century: Review of Literature and Emerging Issues." November 2006, pp. Shabani, GH. 2006, Foundations of Social History, Ghomes Publications, Tehran. (in Persian).
6. Srialghalam, M., 2007, Political Culture of Iran, Institute of Social and Cultural Studies, Tehran. (in Persian)
7. 26.Shabani, GH. 2006, Foundations of Social History, Ghomes Publications, Tehran (in Persian).
8. 27. Putnam, Robert D. and Kristin A. Goss. (2002). "Introduction", In Democracy in Flux, The evalution of Social Capital in Contemporary Society, Oxford Universtity Press.
9. 28.Gurr, Ted Robert (1967). Psychological factors in civil violence, london; world politic.
10. 29.Hortulanus, Relof and machielse, Anja and Ludwien meeuwesen (2007). Social Isolation in modern society, Routledge; london and NewYork.
11. 30.Henderson, Ailas. (2007). "The Regionalization & political Culture", www. cpsa, acsp.ca.
12. 31.Isin, E. F., & Turner, B. S(2002), Citizenship studies: An ntroduction. In E. F.
13. 32.Taket, A, Crisp,B. R, Nevill,A,G,Graham,M and Godfrey, S(2009). Theorising Social Exclusion, Rutledge.
14. 33.Tessler, M. (2011) *What Do Ordinary Citizens in the Arabs World Want: Secular Democracy or Democracy with Islam?* University of Michigan.
15. Putnam, R. D (2000) Bowling alone: The collapse and revival of American community. New York: Simon and Schuster.
16. Mclean, I. (1996). Xford Dictionary of Politics, Oxford University Press.
17. Mannarini. Terri, Fedi. Angela, Trippetti. Stefania, (2009)"Public Involvement: How to Encourage Citizen Participation"Journal of Community & Applied Social Psychology, 20: 262–274 (2010)Published online 8 December 2009 in Wiley InterScience.
18. Miller, M. K (2001) "Organized Groups and Political Participation: Varieties of Social Influence", paper presented at Annual Meeting of the American Political Science Association, San Francisco, 30 August to 2 September.
19. Oyedemi, T. (2015) "Participaton, Citizenship and Internet Use among South African Youth",Telematics and Informatics,32 (1): 11 – 22.
20. OBrien, R. (2003). Civil Society: the Public Sphere and The Internet", Retrieved From: www.web.net.
21. Vanhanen, Tatu. (2003). "Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries". London: Rutledge.
22. Verba, S. Schlozman, K. L. and Brady, H. (1995) *Voice and Equality. Civic Voluntarism in American Politics*. London: Harvard UP.

23. Welzel, C. & R. Inglehart (2008). "Political Culture, MassBeliefs, and Value Change". www.worldvaluessurvey.org/wvs/articles/folder.../OUP_ch09.pdf.
24. Vanhanen, Tatu. (2003). "Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries". London: Rutledge.
25. Jackson, S. (2003) The Gendering of sociology. edited by Jackson, and Scot. Ability versus vulnerability: belief about men, and women's emotional behavior, cognition and emotion, P.P 41-57.

Scientific-Research Quarterly of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch,
Vol. 19, No. 3 (Serial 4), Autumn 2025, pp. 21-40,
Received: May 30, 2022 | Accepted: October 25, 2025

**Title: Investigating the Relationship between the Level of Civic Demands and
Political Culture
(Case Study: Citizens of Ahvaz City)
Touraj Fattahi*¹**

1- PhD Student in Political Sociology, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between the level of civic demands and political culture (case study: citizens of Ahvaz city). This research is descriptive-survey in nature and correlational in terms of the relationships between variables. The statistical population consisted of all residents over 18 years old in Ahvaz, who were selected using a random sampling method. The sample size, estimated by Cochran's formula, was 350 individuals. Data were collected through researcher-made questionnaires, the validity and reliability of which were confirmed through various tests. The data were analyzed using structural equation modeling (SEM) with the help of PLS and SPSS software, as well as correlation tests and path analysis. The results indicated strong and positive correlations between the study variables. The findings further revealed that civil political culture, followed by limited political culture, positively affects citizens' level of civic demands, whereas submissive political culture is inversely related to the level of civic demands.

Keywords: Political participation, Civic demands, Political culture, Civil culture, Submissive culture, Limited culture

* Corresponding author Email: tourajfattahi49@gmail.com